



دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت - 2 / شهریور / 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

از خداوند متعال متضرعانه درخواست میکنیم که رفتار ما، گفتار ما و همه ی حرکات ما را با لطف و کرم خود، به آن چیزی که مورد رضای اوست نزدیک تر کند.

اولاً، هفته ی دولت را به شما برادران و خواهران عزیز و همچنین به همه ی کارکنان فعال و کوشنده ی دولت در سطوح مختلف مدیریتی، تبریک عرض میکنیم؛ و یاد شهیدانی را که بحمدالله هفته ی دولت مزین به نام آنهاست، گرامی میداریم. این ذکر شهید رجایی و شهید باهنر - که این دو برادر عزیز، حقیقتاً مظهر علم و عمل بودند - در هفته ی دولت، يك امر مغتنمی است؛ يك چیز نمادین و باارزشی است. معنایش این است که ما - که مسئولین بخشهای مختلف کشور هستیم - در رفتار عمومی خودمان، نگاهمان به همان ارزشهایی باشد که برجستگی شخصیت این دو عزیز، به خاطر آن ارزشهاست.

من لازم میدانم از همه ی کارکنان دولت - از شخص رئیس جمهور محترم، از شما وزراء و مسئولان عالی رتبه ی قوه ی مجریه و از همه ی مدیران شما در رده های مختلف - حقیقتاً قدردانی کنم؛ به خاطر اینکه تلاش میکنید، زحمت میکشید، دلسوزی میکنید و برای مردم کار میکنید. ان شاءالله خداوند متعال هم به این کار شما برکت بدهد: هم اجر و ثواب اخروی و هم اجر و ثواب دنیوی؛ اجر و ثواب دنیوی هم، همان است که نتایج کار شما در زندگی مردم تجسم و تبلور پیدا کند، مردم آن را احساس کنند و در این فضای خدمت، ان شاءالله زندگی شان با خوشبختی همراه باشد.

به شما عزیزان هم بخصوص توصیه میکنم که از این توفیق خدمتی که در اختیار شما قرار گرفته، قدردانی کنید. این که انسان در جایگاهی قرار بگیرد که میتواند به مردم خدمت بکند و دست او باز است، خیلی قیمت دارد. این باز بودن دست انسان - در هر بخشی از بخشها - برای خدمت به ملت و خدمت به اهداف عالی ملت، خیلی چیز باارزشی است. ما قرنهای متمادی در انجام دادن کارهایی که تشخیص میدادیم خوب است و دلمان میخواست انجام بدهیم، بسط ید نداشتیم. امروز شما این بسط ید را دارید؛ این را قدر بدانید، خدای متعال را شکر کنید، افزایش این توفیق را از خدا بخواهید، و بخواهید که خدای متعال به شما توفیق بدهد که بتوانید هر چه بیشتر به مردم خدمت کنید و از این بسط ید استفاده کنید.



خب، حالا خوشبختانه ماههای مبارک هم هست. ما در روزهای بسیار شریف ماه شعبان قرار داریم. در آینده ی نزدیک هم ماه مبارک رمضان می آید که ماه ضیافت الهی است و سفره ی میهمانی معنوی الهی، گسترده است. از این میهمانی استفاده کنیم، ظرفیتهایمان را زیاد کنیم، توجهمان را به معنویات بیشتر کنیم؛ و این کمک خواهد کرد.

در مورد گزارشی هم که آقای رئیس جمهور دادند - که گزارش بسیار خوبی بود - توصیه ام این است که این گزارشها منتشر بشود و صداوسیما عین همین بیانات ایشان را منتشر کند تا مردم و نخبگان بشنوند. بسیاری از چیزهایی که در زندگی ما اتفاق میافتد و واقعیت دارد، مردم درست در جریان آنها قرار نمیگیرند. درست است که ما ان شاءالله برای خدا کار میکنیم و هدف عمده ی ما باید رضای الهی باشد و ان شاءالله هست؛ لیکن اطلاع مردم از این کارها بسیار کار لازم و مهمی است؛ این هم خودش هدفی است؛ من قبلها هم همیشه سفارش کرده ام، حالا هم سفارش میکنم.

چند خصوصیت ممتاز در این دولت وجود دارد که من لازم میدانم به این خصوصیات تصریح کنم؛ اگر چه بارها هم گفته شده، اما در عین حال خوب است که خود شما دوستان هم توجه داشته باشید که مایه ی امتیاز شما، اینهاست. نامها و عنوانها و جایگاهها و کرسیها به انسان تشخص نمیدهد؛ تشخص واقعی و شرف واقعی در معانی دیگری است؛ همچنانی که در روایت داریم که «اشراف امتی حملة القران و اصحاب اللیل». اشرافیت در نظامهای مادی معنایی دارد، ولی در نظام اسلامی اشرافیت معنای دیگری دارد. آن کسانی که اصحاب اللیل اند - کسانی هستند که برای خدا در شب قیام میکنند - یا کار دشوار را برای مردم در شب انجام میدهند، یا آن کسانی که حملةالقرآن هستند و با قرآن انس دارند و با نور قرآن و هدایت قرآن حرکت میکنند، «اشراف» اینها هستند. کسانی که پول دارند، ثروت دارند و جایگاه اجتماعی دارند، آنها در منطق و در نظام ارزشی اسلامی «اشراف» محسوب نمیشوند.

امتیازات دولتمردان هم از همین قبیل است. يك چیزهایی هست که امتیازات واقعی است؛ باید به اینها توجه کرد. تذکر من در درجه ی اول برای خود شماست که بدانید اهمیت شما و تشخص شما به خاطر این خصوصیات است. بعد هم در فضای عمومی جامعه معلوم بشود که اگر انسان از دولتی یا از مجموعه ای قدردانی و حمایت میکند، این نشانه ی چیست و اشاره ی به چیست و مسئله چیست در این میان. من سه تا خصوصیت را اینجا یادداشت کرده ام که ذکر میکنم.

يك خصوصیت این است که این دولت، واقعاً يك دولت کار است؛ دولت حرکت و اقدام است؛ انرژی و نشاط کار این دولت، يك امر برجسته است. الحمدلله شما از سال اول همین جور حرکت کردید، الان هم با این که سه سال از



عمر این دولت گذشته، انسان احساس میکند که تحرك و نشاط و فعالیت و اقدام در این دولت محسوس است - یعنی کاهش پیدا نکرده؛ افت پیدا نکرده - این خیلی چیز باارزشی است. در خدمت به مردم جدیت وجود دارد. رفتن به شهرها، رفتن به شهرهای کوچک، همه ی نقاط کشور را زیر پا گذاشتن و هیچ نقطه ای از کشور را از منظر خبرگی و کارشناسی دور قرار ندادن، اینها چیزهای باارزشی است. این امتیاز اول است؛ در هر مجموعه ای این امتیاز وجود داشته باشد، جا دارد که انسان از آن قدردانی کند، به آن تصریح کند و امیدوار و مطمئن باشد که خدای متعال هم به آن مجموعه کمک خواهد کرد و ثواب خواهد داد.

خصوصیت و امتیاز دوم که در این دولت هست، شعار و گفتمان کلی این دولت است که منطبق بر شعار و گفتمان امام و منطبق بر شعارها و گفتمانهای انقلاب است؛ این خیلی چیز باارزشی است. این را هیچکس نمی تواند ندیده بگیرد. هر دلبسته ی به انقلاب، این را قدر می داند؛ هر کسی که پیشرفت کشور را با هدایت انقلاب و با کارگردانی انقلاب تصور می کند، باید این را قدر بداند. عدالت خواهی در این دولت پررنگ شد. شعار عدالت خواهی به صورت جدی بر روحیه ی مسئولان، دولتمردان و برنامه ها، پرتو افکند. استکبارستیزی - که معنای ویژه ی انقلابی خودش را دارد - در این دولت تشخص و تمییز پیدا کرد. معنای استکبارستیزی دشمنی کردن با دولتهای دنیا نیست، معنایش دشمنی کردن با استکبار است. استکبار - از هر دولتی و از هر نظامی سر بزند - آفت برای بشریت است. البته امروز امریکا و صهیونیسم مظهر استکبارند؛ لیکن هر جا، هر کس، هر دولتی و هر مجموعه ای که نسبت به دیگران استکبار بورزند، آفتی در جامعه ی بشری و در نظام زندگی انسان به وجود می آورند. ستیزه ی با این حالت هم يك حالت مطلوب اسلامی است. این هم یکی از خصوصیات این مجموعه است که خوشبختانه برجسته است.

مسئله ی اعاده ی عزت ملی و ترك انفعال در مقابل سلطه و تجاوز و زیاده طلبی سیاستهای دیگران و ترك شرمندگی در مقابل غرب و غربزدگی را هم انسان در این دولت احساس می کند؛ عزت ملی و استقلال حقیقی و معنوی از اینجا حاصل میشود. استقلال به این نیست که انسان شعار استقلال بدهد یا حتی مثلاً در زمینه های اقتصادی هم به يك رشد بالایی دست پیدا کند؛ نه، استقلال این است که يك ملت به هویت خود و به عزت خود معتقد و برای او اهمیت قائل باشد، برای حفظ او تلاش و کار کند و در مقابل متعرضین و مستهزئین، شرمنده ی اظهارات و جایگاه خود نباشد.

ما متأسفانه در برخی از اوقات گذشته، میدیدیم که بعضی از کسانی که مرتبط با مسئولین بودند یا حتی خودشان مسئول يك بخشی بودند، کأته از گفتمان انقلاب در مقابل دیگران شرمنده اند و خجالت میکشند که حقایق انقلاب را بر زبان جاری کنند یا آنها را پیگیری کنند یا به آنها اهمیت بدهند! این برای يك جامعه خیلی بلای بزرگی است؛ این را شما ندارید.



یکی از مظاهر دفاع از عزت هم همین مسئله ی انرژی هسته ای است. مسئله ی انرژی هسته ای، برای ما فقط این نبود که ما میخواستیم یک فناوری داشته باشیم، دیگران میخواستند ما نداشته باشیم؛ این فقط بخشی از قضیه است. بخش دیگر قضیه این بود که قدرتهای گوناگون، پُررو، متجاوز، زورگو و دنباله ها و اقمار بی ارزش آنها، میخواستند حرف خودشان را در این زمینه بر ملت ایران تحمیل کنند. خب، ملت ایران، دولت شما و شخص رئیس جمهور، در مقابل این زورگویی و این تحمیل و این افزون طلبی ایستادید؛ خدای متعال هم کمک کرد؛ پیش رفتید. اینها آن بخشها و اجزاء گفتمان عمومی این دولت است که برای من اهمیت دارد.

روند غرب باوری و غرب زدگی را که متأسفانه داشت در بدنه ی مجموعه های دولتی نفوذ میکرد، متوقف کردید؛ این چیز مهمی است. حالا یک عده ای در جامعه، ممکن است به هر دلیلی شیفته ی یک تمدنی یا یک کشوری باشند؛ اما این وقتی به بدنه ی مدیران انقلاب و مجموعه های انقلاب نفوذ میکند، چیز خیلی خطرناکی می شود. این دیده میشد؛ خب، جلوییش گرفته شد.

گرایش های سکولاریستی - که متأسفانه باز داشت در بدنه ی مجموعه ی مدیران کشور نفوذ می کرد - جلوییش گرفته شد. نظام انقلابی، بر مبنای دین و بر مبنای اسلام و بر مبنای قرآن شکل گرفته و به همین دلیل از حمایت میلیونی این ملت برخوردار شده و جانهایشان را کف دستشان گرفته اند و جوانهایشان را به میدانهای خطر فرستاده اند؛ آن وقت مسئولان یک چنین نظامی دم از مفاهیم سکولاریستی بزنند؟! «یکی بر سر شاخ و بن میبرید»؛ یعنی خودشان بنشینند و بنا کنند بن این مبنا و قاعده را کلنگ زدن! خیلی چیز خطرناکی بود. خب، الحمدلله اینها جلوییش گرفته شد.

یا جرأت در ایجاد تحول؛ حالت روحی این دولت این است که برای تحول آفرینی جرأت دارد و اقدام می کند. نمی خواهم بگویم همه ی این اقدامها صددرصد درست است؛ نه، ممکن است یک جایی هم اشتباه باشد؛ اما نفس اینکه انسان حالت دلیری در مقابل مشکلات داشته باشد و تصمیم بگیرد که برای رفع مشکلات اقدام بکند، چیز باارزشی است که این خوشبختانه هست.

جرأت در مقابله ی با فساد. مقابله ی با فساد خیلی کار سختی است. یک وقتی بنده گفتم که این اژدهای هفت سر فساد را به این آسانی نمیشود قلع و قمع کرد؛ خیلی کار سختی است. نه اینکه حالا بگویم قلع و قمع شده؛ نخیر، الان هم قلع و قمع نشده؛ لیکن جرأت مقابله ی با آن هست. خب، وقتی که اجزاء مجموعه، خودشان آلوده ی به فساد نباشند، طبعاً جرأتشان بیشتر است. بسیاری از مجموعه های قبلی هم حقیقتاً پاکیزه بودند - یعنی آلودگی نداشتند - اما بالاخره جرأت در مقابله ی با فساد یک امتیازی است که در شما هست.



روحیه ی تهاجم در مقابله ی با زورگویان بین المللی. يك وقت هست که زورگویان بین المللی می آیند و میگویند که آقا شما فلان کار را کرده اید و ما رفع و رجوع می کنیم و نه والله، نه بالله... ؛ ولی يك وقت هست که تهاجمش، تهاجم زورگویانه است ؛ بهترین دفاع در چنین مواقعی هجوم است. زورگویان بین المللی، نقاط ضعف زیادی دارند؛ جنایت میکنند، فساد میکنند، به حقوق بشر تجاوز میکنند، به حقوق ملتها تعدی میکنند، انسانها را لگدمال میکنند و همه ی کارهای زشت را انجام میدهند ؛ آخر هم طلبگار همه اند! خب، نقاط ضعفشان، با حالت تهاجمی و با حالت طلبگاری، گفته و بیان بشود. اینجور نیست که ما برای تهاجمات سیاسی بین المللی، بخواهیم پاسخ پیدا کنیم. يك وقتی از بنده - سالهای اوایل - میپرسیدند که آقا، شما در مقابل این حرف چه جوابی دارید؟ میگفتم ما جواب نداریم ؛ ما ادعا داریم و مدعی اینها هستیم ؛ در قضیه ی زن مدعی هستیم ؛ در قضیه ی حقوق بشر مدعی هستیم ؛ در قضایای حقوق اساسی انسانها مدعی هستیم. ما مدعی اینها هستیم ؛ ما در مقام پاسخگویی نیستیم. چرا باید سوال بکنند تا کسی مجبور باشد پاسخ بدهد؟ آنها بی جا میکنند سؤال و ادعا میکنند. این روحیه، روحیه ی خوبی است ؛ روحیه ی انقلاب این است ؛ این است که حقیقت را روشن و درخشان میکند.

گفتمان عمومی دولت اینهاست ؛ به طور خلاصه: زنده کردن و بازسازی برخی خصوصیات جوهری انقلاب و منطق امام ؛ و مقابله ی با کسانی که میخواستند این ارزشها و این مفاهیم اساسی را منسوخ کنند، یا از بین ببرند، یا ادعا میکردند که منسوخ شده و از بین رفته ؛ این چیز باارزشی است. این خصوصیت دوم و امتیاز دومی است که در این دولت هست.

امتیاز سوم هم روحیه ی مردمی و خاکی این دولت است ؛ این هم خیلی باارزش است ؛ این را قدر بدانید. شما امتیازتان به تشخیص ظاهری و شکل و قیافه نیست ؛ امتیازتان به همین است که خودتان را با مردم هم سطح کنید، به شکل مردم و در میان مردم باشید، با مردم تماس بگیرید، با آنها انس پیدا کنید، از آنها بشنوید. این امتیاز بزرگی است و در شما هست ؛ آن را حفظ کنید و نگه دارید.

ساده زیستی - بخصوص در خود آقای رئیس جمهور - خوب و برجسته است و چیز باارزشی است ؛ در مسئولین هم - کما بیش ؛ يك جایی کمتر، يك جایی بیشتر - بحمدالله هست. ساده زیستی چیز بسیار باارزشی است. ما اگر بخواهیم تجمل و اشرافیگری و اسراف و زیاده روی را - که واقعاً بلای بزرگی است - از جامعه مان ریشه کن کنیم، با حرف و گفتن نمیشود ؛ که از يك طرف بگوئیم و از طرف دیگر مردم نگاه کنند و ببینند عملمان جور دیگر است! باید عمل کنیم. عمل ما بایستی مؤید و دلیل و شاهد بر حرفهای ما باشد تا اینکه اثر بکند. این خوشبختانه هست. فاصله تان را با طبقات ضعیف کم کرده اید و کم نگه دارید و هر چه که ممکن است آن را کمتر کنید. این سه تا خصوصیت و امتیاز است.



«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق». این وظیفه ی بنده هم هست، وظیفه ی همه هم هست. اگر چنانچه این خصوصیات را در مجموعه ی دولت کنونی قدردانی نکنیم و تشکر نکنیم، طبعاً خدا را خوش نمی آید. خدای متعال دوست دارد که از کارهای خوب افراد تشکر بشود، قدردانی بشود و سپاسگزاری بشود. وظیفه ی بنده هم این است که قدردانی کنم و به خاطر همین خصوصیات، از دولت حمایت کنم. البته حمایت از دولت، مخصوص این دولت نیست؛ بنده همیشه از دولتها حمایت کرده ام؛ امام هم (رضوان الله تعالی علیه) در هر برهه ای، از دولتها و رؤسای قوه ی مجریه و مسئولین دولتی حمایت میکردند. دلیلش هم واضح است. چون عمده ی بار اداره ی مدیریت کشور بر عهده ی قوه ی مجریه است و نظام باید از قوه ی مجریه، از رئیس جمهور، از مسئولین و از وزرا، حمایت کند. امام هم حمایت میکردند؛ بنده هم در دوره های گذشته همیشه حمایت میکردم. منتها خب، این خصوصیتی که عرض کردیم، موجب بشود که انسان گرمتر حمایت کند و در این قدردانی و حمایت، دلگرمتر اقدام کند.

البته این به معنای چشم بستن بر ضعفهای دولت هم نیست. بالاخره شما هم بشرید، نقص دارید، ضعفهایی هم دارید؛ کارهایی را میخواسته اید انجام بدهید، ولی انجام نگرفته؛ کارهایی را به فکر نبوده اید و به ذهنتان نبوده، باید متوجه آنها بشوید و انجام بدهید؛ که در جلسات خصوصی با آقای رئیس جمهور و با بعضی از مسئولین دیگر و در بسیاری از جلسات عمومی - مثل همین دیدارهای دولت و غیره - هم گفته شده. البته آن حمایت هم بجای خودش محفوظ است و هست.

چند نکته را عرض بکنیم. یکی راجع به مطالباتی است که ما همواره در جلسات دولت مطرح کرده ایم. من میخواهم بر آن مطالبات تأکید کنم. در جلسات سالهای گذشته اینها را گفته ایم که مهم هم هست و چیزهایی است که ما انتظار داریم شما مسئولان تراز اول کشور و قوه ی مجریه به اینها توجه کنید.

یکی مسأله ی رعایت قوانین است. قانون را اهمیت بدهید. قانون - وقتی که با ساز و کار قانون اساسی پیش رفت - حتمیت و جزمیت پیدا میکند. ممکن است همان مجلس یا دولت یا دیگران مقدماتی فراهم کنند که آن قانون عوض بشود - با طرحهایی که در مجلس می آید، با لوایحی که دولت میدهد، با تصمیم سازیهایی که در بخشهای مختلف انجام میگردد - عیبی ندارد؛ اگر قانون نقص دارد، ضعف دارد و غلط است، عوض بشود؛ اما تا مادامی که قانون، قانون است، حتماً بایستی به آن عمل بشود و به آن اهمیت داده بشود. من این را تأکید می کنم. در بخشهای مختلف همین جور است. ممکن است یک چیزی را شما معتقد باشید که روال قانونی اش درست طی نشده، یا متصدی این کار قوه ی مجریه نیست؛ وقتی که قانون مجلس - با همان ساز و کار قانون اساسی - به دولت ابلاغ شد، قوه ی مجریه باید آن را قانون بداند. حالا اگر چنانچه ضعف یا چیز دیگری وجود دارد، عوامل دیگری وجود دارد که اگر قانون مشکلاتی دارد، بایستی آن را از بین ببرند؛ چه در خود مجلس، چه در شورای نگهبان و از این قبیل. به قانون اهمیت



بدهید.

نظارت بر زیرمجموعه هم خیلی مهم است. من اصرار و تأکید دارم که شما دوستان عزیز - که مسئولان بالا و مدیران ارشد هستید - مسأله ی نظارت بر زیرمجموعه ی خودتان را بسیار اهمیت بدهید. چشمهای بینا و بصیر و باز شماست که وقتی در دائره ی مسئولیتتان میچرخد، میتواند صحت کار و پیشرفت کار را تضمین کند. اگر چنانچه شما غفلت کردید، ممکن است در همان بخشی که غفلت کرده اید نابسامانی انجام بگیرد. مجموعه های انسانی مثل ماشین نیستند که انسان يك دکمه ای را بزند و این ماشین به خودی خود شروع کند به کار کردن. مجموعه های انسانی مجموعه هایی از اراده ها، فکرها، نظرها، سلیقه ها و خواهشهای نفسانی صحیح و غلط هستند. خب، این چیزی را که شما تصمیم گرفتید، تدبیر کردید و بناست در مجموعه ی شما انجام بگیرد، ممکن است یکجا با يك مانعی از همین خواهشها و فکرها و سلیقه ها و اراده های گوناگون برخورد بکند و متوقف بشود. مثل يك جریان آبی که به يك سنگی برخورد میکند؛ يك جریان باریک، به يك ریگ هم برخورد کند برمیگردد. خب، باید این مانع را برطرف کنید. این نمیشود مگر با نظارت. نظارت، بسیار مهم است.

خود آقای رئیس جمهور هم همین جور. البته نظارت رئیس جمهور نسبت به وزرا، با استقلال وزرا در کارشان نباید تنافی پیدا کند. چون وزرا مسئولیت قانونی دارند و از مجلس رأی اعتماد گرفته اند و باید استقلال داشته باشند. لیکن این نظارت حتی در مورد وزرا هم وجود دارد. استقلال عمل آنها محفوظ، اما نظارت رئیس جمهور هم با شدت تمام بایستی انجام بگیرد. یکی هم این است.

یکی مسأله ی پیگیری مصوبات است؛ بخصوص مصوبات سفرها و وعده هایی که داده میشود. شما به جایی مسافرت میکنید؛ مثلاً گفته میشود دولت صد یا دویست مصوبه برای آن جا داشت؛ باید به طور جد دنبال کنید که اینها تحقق پیدا بکند. خب، میدانید که بنده در زمینه ی آمارگیری و آماردهی زیرمجموعه ها به مسئولان بالا، تجربه ی طولانی ای دارم - هم در دوره ی ریاست جمهوری، هم بعد از آن - زیاد اتفاق افتاده که می آیند و گزارش میدهند که آقا! این کار شد، این کار شد، این کار شد! وقتی انسان نزدیک میرود، می بیند که گزارش دروغ نیست، اما درست هم نیست. يك نکته ای در این هست؛ به شما دروغ نگفته اند، اما آنی که شما میخواهید، اتفاق نیفتاده و انجام نگرفته است! پس مواظبت کنید که آن چیزی که شما میخواهید، انجام بگیرد. گزارشهای مکتوبی که همراه با آمار و ارقام به ما میدهند، ممکن است در آنها چنین اختلالی وجود داشته باشد. لذا باید خیلی بادقت و احتیاط و وسواس، این مصوبات - بخصوص وعده هایی که به مردم داده میشود - تعقیب بشود و پیگیری بشود.

همان طور که عرض کردم، شما دولتی هستید مردمی؛ یعنی مردم وقتی حرف شما و صدای شما را میشنوند، کأته از



جنس خودشان يك حرفی میشوند ؛ چون از موضع بالا و متکبرانه با مردم حرف نمیزنید ؛ خب، طبعاً توقعاتشان زیاد میشود. پس این خوب است ؛ اما توقعات را هم زیاد میکند. اگر چنانچه يك جائی بر خلاف این توقعات رفتار شد، در ایمان و اعتقاد مردم اختلال به وجود می آید و این جایز نیست ؛ نباید بگذارید چنین اتفاقی بیفتد. آنچه که وعده می‌دهید انجام بگیرد. اگر نمیشود، همان وعده ای که داده اید، صاف بیائید به مردم بگوئید نمیشود.

در همان اوائل ریاست جمهوری آقای دکتر احمدی نژاد، به ایشان گفتم که این مورد - يك مورد خاصی است که نمیخواهم اسم بیاورم و قبل از دولت ایشان تصمیم گیری شده بود - ممکن است برایتان مشکلات درست کند، بیائید صاف و روشن به مردم و به همان مسئولین بگوئید آقا، این کار را ما نمیتوانیم انجام بدهیم! از شما قبول میکنند. البته ایشان مصلحت ندانستند و آن کار را نکردند ؛ بنده هم الزامی و اجباری نگفته بودم، پیشنهاد کردم. من عقیده ام این است اگر چنانچه يك کاری را نمیتوانید انجام بدهید - مثلاً به فلان استان رفتید و فلان وعده را دادید ؛ حالا می بینید مشکلات و تورم ایجاد میکند یا ممکن است کارهای دیگری را لنگ کند - خیلی خب، صاف بروید بگوئید: آقا! ما این را تصمیم گرفتیم، حالا متأسفانه نمیشود انجام بدهیم. این بهتر است از اینکه کار انجام نگیرد. این هم یکی.

تعامل با دو قوه ی دیگر هم یکی از این توصیه هاست. تعامل با مجلس و تعامل با قوه ی قضائیه، کار لازمی است ؛ این را مطلقاً نباید ندیده گرفت. البته ممکن است در این راه تلخیها و مشکلاتی وجود داشته باشد ؛ ولی باید تحمل کرد ؛ بهتر است.

مسأله ی بعدی، تعامل نظام مند با نخبگان و اهل نظر - حتی مخالفین - است ؛ با اینها هم باید تعامل کرد. نخبگان جامعه را نباید فراموش کرد. من اعتقادم این است که بر طبق فرمایش مولای متقیان، آن جایی که بین خواست نخبگان و خواست مردم - عامه ی مردم - تعارض وجود دارد، خواست عامه ی مردم مقدم است ؛ این همانی است که در نامه ی معروف حضرت و فرمان معروف حضرت به مالک اشتر، به این معنا تصریح شده ؛ اما همیشه از این قبیل نیست. گاهی نخبگان نظرات اصلاحی ای دارند که بایستی از اینها استفاده کرد. یعنی همچنانی که گفته میشود که «همه چیز را همگان دانند»، «همه کار را هم همگان توانند» ؛ واقعهش این جوری است. از نظرات و از نیرو و از کار همه ی نیروها استفاده بشود.

يك مسأله، مسأله ی اطلاع رسانی است که من بارها گفته ام. البته خوشبختانه حالا می بینم گاهی در آستانه ی سفرها، اطلاع رسانیهای خوبی انجام میگیرد ؛ لیکن در عین حال کم است. گزارش باید واقعاً هنرمندانه باشد، نه به شکل گزارشهای متعارف و عادی ؛ البته این گزارش امروز مستثنی است - به نظر من این گزارش باید عیناً پخش



بشود - لیکن در بخشهای مختلف، وزرا برای گزارش، برنامه سازی کنند. گزارش دادن کار آسانی نیست؛ کار بسیار مشکلی است که انسان بخواهد از عملکرد خود گزارشی بدهد که باور مردم و اذعان مردم را همراه داشته باشد. این کار هنرمندانه ای است و بایستی انجام شود.

یک سفارش دیگر - که تأکید کرده ام، باز هم تأکید میکنم - مسأله ی علم و فناوری است. که خوب، خوشبختانه این معاونت خوبی که تشکیل شد، خیلی کمک میکند و باز هم همچنان به این مسأله توجه شود؛ این پایه است و جزو آن چیزهای ریشه ای و جزو کارهای اساسی در کشور است. اگر ما بتوانیم این پایه را بالا ببریم، خیلی چیزها را میشود بر این پایه بنا کرد.

یکی هم توجه به مقوله ی فرهنگ است که خیلی مهم است. البته خوب، کارهایی شده؛ گزارشی هم که دادند، اشاره ای به این معنا داشت؛ بنده هم در جریان بسیاری از کارها هستم؛ اما در عین حال مقوله ی فرهنگ، بسیار مقوله ی مهمی است؛ همان طور که بارها گفتیم مثل هوایی است که انسان در آن تنفس میکند. همه - بزرگ، کوچک، بالا، پائین، قشرهای مختلف، مسئول، غیرمسئول - در فضا تنفس میکنند. این فضا را درست کنید، تا همه سالم تنفس کنند.

به انتقادات هم توجه کنید؛ البته بعد هم عرض خواهم کرد. انتقاد با تخریب فرق دارد. متأسفانه خیلیها تخریب میکنند، ولی اسمش را میگذارند انتقاد. آن جایی که واقعاً انتقاد است و کسانی با نظر خیرخواهانه، نقاط مثبت کاری را توجه میکنند و نقاط اشکالش را هم ذکر میکنند، اینها را با سعه ی صدر گوش بدهید؛ نه این که همه جا قبول کنید - چون ممکن است آن منتقد اشتباه کرده باشد - اما گوش کنید تا آن جایی که واقعاً درست است از شما فوت نشود. اینها چیزهایی است که قبلها عرض کرده ایم؛ حالا هم تأکید میکنیم. به بعضیها توجه شده، بعضی را هم باید بیشتر توجه بکنید.

آنچه که در مورد سال آخر این دوره باید به شما عرض بکنم، چند نکته است. یکی اینکه در این سال آخر با روحیه ی سال اول کار کنید. البته احساس میکنم همین جور است؛ اما در عین حال تأکید میکنم. فکر نکنید که امسال، سال آخر دولت است؛ نه. مثل کسی که پنج سال دیگر بناست کار بکند، کار بکنید؛ یعنی تصور کنید که این يك سال به اضافه ی چهار سال دیگر در ید مدیریت شماست. با این دید نگاه کنید و کار کنید و برنامه ریزی کنید و اقدام کنید. این يك.

دوم این که اولویت را به کارهایی بدهید که نیمه کاره مانده؛ شکوفایی این است. ما گفتیم نوآوری و شکوفایی.



نوآوری به معنای هی پروژه ی جدید ایجاد کردن نیست. نوآوری یعنی نوآوری در فکر، در اندیشه، راه های نو را پیدا کردن و آنها را به عنوان برنامه و راهنمای کار در اختیار دولت - چه این دولت، چه هر دولت دیگری تا بیست سال آینده - قرار دادن؛ معنای نوآوری این است که شیوه های نو را پیدا کنیم. بخشی از شکوفایی هم این است که کارهایی را که شما تا حالا کرده اید، بتواند طعم خودش را به کام مردم بنشانند. پس اولویت را به کارهایی بدهید که نیمه کاره مانده؛ چه آنهایی که در دولت شما شروع شده، چه آنهایی که در دولتهای قبلی شروع شده. مهم این است که در همین دوره مردم طعم همه ی خدمات شما را بچشند.

توصیه ی سوم هم که همان مسأله ی اطلاع رسانی است که عرض کردیم.

مطلب بسیار مهمی که باز میخواهم عرض بکنم - در ادامه این توصیه ها - این است که این دهه ای که ما در پیش رو داریم، دهه ی پیشرفت و عدالت است. این دو شعار، شعار دهه ی آینده است: پیشرفت، عدالت. نه اینکه تا حالا پیشرفت نکرده ایم، نه اینکه تا حالا بکلی به عدالت بی اعتنائی شده باشد؛ نه، ما میخواهیم در این دهه یک پیشرفت جهشی همه جانبه و یک عدالت گسترده وسیع همه جانبه اتفاق بیفتد. خوشبختانه زمینه هایش هم فراهم است. در این دهه، گفتمان مسئولان کشور بایستی پیشرفت و توسعه باشد؛ پیشرفت و عدالت باشد.

البته خب، بدیهی است که بدون معنویت و بدون عقلانیت، عدالت تحقق پیدا نمیکند؛ این را قبلاً هم عرض کرده ایم. اگر معنویت نشد، عدالت تبدیل میشود به ظاهرسازی و ریاکاری؛ اگر عقلانیت نشد، عدالت اصلاً تحقق پیدا نمیکند و آن چیزی که انسان تصور میکند عدالت است، می آید و جای عدالت واقعی را میگیرد. بنابراین معنویت و عقلانیت در تحقق عدالت شرط است.

اما بدون عدالت، پیشرفت مفهومی ندارد و بدون پیشرفت هم عدالت مفهوم درستی پیدا نمیکند؛ باید هم پیشرفت باشد و هم عدالت. اگر بخواهید الگو بشوید و این کشور برای کشورهای اسلامی الگو بشود، بایستی گفتمان حقیقی و هدف والایی که همه برای او کار میکنند، این باشد.

نقشه ی راه، سند چشم انداز است. سند چشم انداز را هیچ نبایستی مورد غفلت قرار داد. این حقیقتاً یک سند واقعی و یک نقشه ی راه حقیقی است. باید دستگاههای نظارتی خودتان را محاسبه کنید. حالا دیگران ممکن است نظارت بکنند، ممکن است نکنند؛ ممکن است نظارتشان درست باشد، ممکن است ناقص باشد؛ اما در درون خود مجموعه ی قوه ی مجریه - که نقشش در رسیدن به اهداف چشم انداز، بسیار حساس است - دستگاههای نظارتی را فعال کنید، بعد ساز و کارهای نظارتی را بکار بیندازید تا ببینیم برنامه ها و سیاستها چقدر جلو رفته؛ یعنی اینجور نباشد که سال



دهم سند چشم انداز، نگاه کنیم و ببینیم پیشرفتی پیدا نکرده ایم؛ نه، بایستی اینها را مرتباً رصد کنید که معلوم شود چقدر پیش رفته ایم و چقدر به آن اهداف نزدیک شده ایم و چقدر زمینه ها فراهم شده است.

یک نکته ی دیگر مسئله ی سیاستهای اصل 44 است. خب، همه اعتراف دارند که سیاستهای اصل 44 اگر اجرائی بشود، یک تحول در پیشرفت کشور - در زمینه های اقتصادی و به تبع او در زمینه های دیگر - بوجود می آید. این هم مسئله ی بسیار مهمی است. خب، حالا آمارهای خوبی داده شد؛ کارهای خوبی هم انجام گرفته. قبل از آن که این قانون اخیر هم تصویب بشود، دولت اقداماتی در این زمینه انجام داده بود، لیکن حالا خوشبختانه قانون هم تصویب شده و در اختیار شماس است؛ قوی و کاملاً جدی این سیاستها را دنبال کنید.

این مسئله ی طرح تحول هم که اخیراً دولت مطرح کرده، این هم از همان کارهای بزرگ و از همان کارهایی است که جرئت اقدام به آن کار، خودش باارزش است. خب، همه این سرفصلها را قبول کرده اند و قبول دارند. همین مسئله ی هدفمند کردن یارانه ها، واقعاً چیز خیلی مهمی است؛ در دولتهای قبل هم مطرح بوده - بارها صحبت شده بود و گفته شده بود - منتها پیشرفت نمیکرد. یا مشکلاتی که در قضیه ی بانکها و مالیات و بیمه و گمرک و سایر چیزهایی که در بخشهای مختلف این طرح تحول وجود دارد، کارهای بسیار بزرگ و مهمی است؛ حتماً هم باید انجام بگیرد. من توصیه میکنم در این کار حزم به خرج بدهید؛ یعنی مطلقاً نگذارید در این قضیه ی بزرگ، شتابزدگی به وجود بیاید. این کار، کار مهم و کار بزرگی است؛ اگر ان شاءالله بتوانید این را خوب انجام بدهید، یک قدم بلند برای پیشرفت کشور برداشته اید؛ البته اگر خوب انجام نگیرد، آن وقت خطرها و ضررهایی هم دارد. یعنی مراقبت بکنید که هیچ عجله و شتابزدگی نباشد. توقف و ترسیدن از ورود در این میدان را به هیچ وجه توصیه نمیکنم؛ اما نگاه کردن جلوی پا، نگاه کردن به چشم اندازه های دوردست و تبعاتی که ممکن است به وجود بیاید و راه جلوگیری از آن تبعات را توصیه میکنم.

فرض کنید ممکن است یک بخشی از این طرح تحول، مثلاً تورم زا باشد. خب، فکر کنید برای مقابله ی با این تورم چه کار باید بکنید. چه اقدامی باید انجام بدهید که این یا پیش نیاید و تورم ایجاد نشود؛ یا اگر ایجاد میشود، کمتر ایجاد بشود تا این کار اقتصادی و این جراحی بزرگ، به خوبی و به سلامت انجام بگیرد. خب، در کشور ما واقعاً مسئله ی تورم، مسئله ای است. یعنی شما این همه خدمت کرده اید و این همه زحمت کشیده اید که بایستی در وضع زندگی مردم اثرات خودش را بگذارد. الان هم تورم هست - البته همین طور که اشاره کردند، تورم جهانی هم هست - منتها بخشی از آن مربوط به تورم جهانی است، بخشی از آن مسلم مربوط به خشکسالی است، بخشی از آن مربوط به سرمای سخت زمستان گذشته است، اما بخشی از آن هم احتمالاً چیزهای قابل اجتنابی است. پس بایستی عوامل قابل اجتناب را شناسایی و از آنها اجتناب کنید.



يك مسئله هم - که مسئله ی آخر باشد که عرض میکنیم - مسئله ی انتقاد و تخریب است. مرز انتقاد و تخریب چیست؟ تخریب بکنند و اسمش را بگذارند انتقاد؛ یا از ما انتقاد بشود و ما تلقی تخریب از آن داشته باشیم. خوب، باید مشخص بشود تخریب کدام است و انتقاد کدام است. معنای انتقاد آن ارزشیابی منصفانه ای است که يك آدم کارشناس میکند؛ نقادی همین است دیگر. وقتی شما طلا را میبرید پیش يك زرگر که نقادی کند، او میگوید که آقا! این عیارش بیست است؛ یعنی عیار بیست را قبول میکند؛ حالا از بیست و چهار عیار - که طلای خالص است - چهار عیار کم است. این شد نقادی. البته زرگر هم هست و وسیله ی نقادی را هم دارد. اما اگر چنانچه طلا را بردید مثلاً پیش يك آهنگر و او يك نگاهی کرد و آن را انداخت و گفت: آقا! اینکه چیزی نیست! این اسمش نقادی نیست. اولاً اصل طلا بودن این، انکار شده. خوب، بالاخره مرد حسابی! حالا عیار بیست و چهار ندارد، عیار بیست که دارد؛ این را قبول کن! ثانیاً؛ شما که اهل این کار و آشنای این کار نیستی!

آدم متأسفانه می بیند چیزهایی که به نام انتقاد از دولت و نقادی دولت، امروز گفته میشود، شکل همین تخریب را دارد: یعنی انکار امتیازات، قبول نکردن برجستگیها و کارهای خوب، و درشت کردن و برجسته کردن ضعفها. خوب بله، ضعف هست. هر دولتی بالاخره ضعف دارد؛ انسانها ضعف دارند دیگر؛ ضعفها را بگویند، قوتها را بگویند. جمع بندی کار يك دولت، آن وقتی است که ضعفها و قوتها را منصفانه پهلوی همدیگر قرار بدهند؛ آن وقت میشود جمع بندی کرد. نه اینکه بیایند یکسره بنا کنند به بدگویی کردن و انکار کردن همه ی خصوصیات. بنده سه تا نقطه ی اصلی را - حالا بیش از این نقاط وجود دارد - در اول عرایضم گفتم. خوب این سه چیز را بگویند - آنچه که در زمینه ی روحیه ی دولت و گفتمان اساسی دولت هست، آنچه در زمینه ی نوع عملکرد دولت هست، آنی که در زمینه ی خلیات دولتی مجموعه ی دست اندرکار هست - بعد بگویند بله، آنجا هم فلان کار ضعف دارد؛ این اشکالی ندارد. این را با گوش جان بایستی شنید و پذیرفت. اما اینها نباید با بی ملاحظه گی، ندیده گرفتن و بی اعتنائی کردن و حتی بعضی از نقاط قوت را به عنوان نقطه ی ضعف معرفی کردن، همراه باشد.

ما امروز در مقابله ی با استکبار، در سیاست خارجی زبانمان زبان طلبگاری، عزت، اقتدار معنوی و اقتدار ملی است؛ آن وقت بعضی بیایند همین را به عنوان نقطه ی ضعف وانمود کنند که نه آقا! شما کاری کرده اید که فلان دولتها از شما خوششان نیاید. خوب، معلوم است که خوششان نمی آید. فلان دولتها آن وقتی خوششان می آید که انسان تملق آنها را بگوید و حرفهای آنها را به عنوان حرفهای برتر ذکر بکند؛ خودش را کوچک کند و از حرفهای خودش و حرفهای انقلاب عقب نشینی کند؛ آن وقت آنها خیلی خوششان می آید! انتقاد خوب است، تخریب بد است؛ انتقاد خدمت است، تخریب خیانت است؛ نه خیانت به دولت، بلکه خیانت به نظام و خیانت به کشور است. نباید تخریب بکنند، انتقاد بکنند.



البته شما در شنیدن انتقادهای سعه‌ی صدر داشته باشید. یعنی واقعاً اگر انتقادی منصفانه است، با روی باز بپذیرید. حتی من میخواهم به شما توصیه کنم که تخریبها را هم تحمل کنید. بالاخره سال آخر، علیه غالب دولتها این چیزها هست؛ البته علیه این دولت بیشتر هست. دو جریان الان علیه این دولت وجود دارد: یک جریان، جریان داخلی است؛ یک جریان هم جریان خارجی است که او مهمتر است. الان شما اگر رسانه‌های دنیا و حرفهای محافل خبری دنیا و محافل سیاسی دنیا را نگاه کنید، می بینید همه شان - واقعاً مثل جنگ احزاب - دست به دست هم داده اند و دارند فشار می آورند که این دولت را بکوبند. هدف واقعیشان هم این دولت - یعنی آقای احمدی نژاد و شماها - نیست؛ البته آماج این دعواها شماست؛ اما هدف واقعی، انقلاب است؛ هدف واقعی، نظام است. شماها هم چون حرف نظام را میزنید، طبعاً آماج این تهاجمها قرار میگیرید؛ این خطی است که الان در بیرون وجود دارد. همه جورش را هم ما می بینیم. حالا بعضی از انواع این تهاجمات را عامه‌ی مردم می بینند، بعضیها را خیلی از خواص هم نمی بینند؛ اما ما می بینیم. ما از خبرهایی که به ما میرسد و از نوع تحرك و تعاملی که وجود دارد و از حرفهایی که زده میشود، میفهمیم که چطور مجموعه‌ی دولت آماج حملات است. علتش هم همین است که گفتمان این دولت، گفتمان انقلاب است و در جهت انقلاب حرکت میکند. این خط خارجی است.

انگیزه‌های خط تخریب داخلی هم یک طیف وسیعی است و نمیشود انسان همه را به یک چوب براند؛ بعضیها واقعاً خبری ندارند - یعنی مغرض نیستند؛ اطلاعاتشان کم است و بر اثر بی اطلاعی چیزی میگویند - بعضیها غرضهای شخصی و غرضهای سطحی دارند؛ بعضیها غرضهای عمقی است؛ یعنی با نظام مسئله دارند، کینه‌ی امام در دلشان است و حرفهای امام را یا از اول قبول نداشتند یا حالا قبول ندارند - آنهایی که از آن حرفها رو برگرداندند و پشیمان شده‌ها و برگشته‌ها - اینها یک طیف وسیعی از انگیزه‌هاست، لیکن بالاخره محصول و جمع بندی اش همین تهاجمها و پنجه زدن‌ها و لجن پراکنی‌هاست که وجود دارد.

یک توصیه‌ی دیگر این است که بهانه هم دست دیگران ندهید. من می بینم متأسفانه گاهی بهانه‌هایی هم از طرف خود شما داده میشود که این را هم بایستی توجه کنید که بهانه هم دست دیگران ندهید؛ مراقبت کنید؛ حزم کنید. و گفت: «اتقوا من مواضع التهم». گفتند یک شیخی در یک مدرسه‌ی دینی به طلبه‌ای گفت که گفته اند فلان طلبه، فلان مرادده‌ی غلط را دارد. طلبه هم گفت: اتقوا من مواضع التهم، آشیخ تو هم! خلاصه اینکه مواظب باشید، مراقبت کنید؛ «اتقوا من مواضع التهم»؛ برای خودتان و برای دولت مسئله درست نکنید و برای جنجال آفرینی‌ها - که کسانی دنبالش هستند - بهانه ندهید.

امیدواریم ان شاءالله خداوند متعال از ما و از شما راضی باشد و به ما کمک کند و ان شاءالله قلب مقدس ولی عصر از ما خشنود باشد؛ خدمتگزار این نظام باشیم؛ خدمتگزار دین باشیم؛ خدمتگزار مردم باشیم و پیش خدای متعال



روسفید باشیم. این چند صباح عمر به سرعت میگذرد؛ یادتان هست جلسه ی اولی که با شما نشستیم، به این مضمون عرض کردیم که این جلسه ی اول ما با دولت است، اما به سرعت به جلسه ی آخر میرسیم؛ و می بینید چطور عمر سریع میگذرد و به سرعت انسان زمان را میگذراند و این طومار عمر، درنور دیده میشود؛ خدا کند آن وقتی که این طومار باز میشود، در پیشگاه خدای متعال و پیشگاه اولیائش و پیشگاه همه ی مردم عالم در قیامت، شرمنده نباشیم؛ ان شاءالله.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته